

کوردستان

ارگان حزب دمکرات کوردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلقی کرده در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

شماره ۷۶۵ یکشنبه ۱۵ دی ۱۳۹۸، ۵ ژانویه ۲۰۲۰

پیام تبریک "مصطفی هجری" به مناسبت سال نو میلادی

"مصطفی هجری"، مسئول اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران، در پیامی فرا رسیدن سال نو میلادی را به پیروان دین مسیحیت در ایران و کوردستان تبریک گفتند.

متن پیام بدین شرح است:

سال نو میلادی و میلاد حضرت مسیح مبارک باد!

به مناسبت تولد حضرت عیسی مسیح و فرا رسیدن سال نو میلادی، این عید را به همه پیروان دین مسیحیت، بویژه مسیحیان ایران و کوردستان تبریک عرض می‌نمایم. امیدوارم این ایام جشن، ایامی پر از سرور و شادی و سال نو میلادی برای همگان لبریز از آزادی و عدالت باشد.

حزب دمکرات کوردستان ایران

مسئول اجرایی

مصطفی هجری

www.kurdistanmedia.com



پنهان کردن شکاف کسری بودجه

۷



گذار از یک حکومت توتالیتر و دیکتاتور

۶



سیاست چرخش به شرق در دو نگاه

۵



آیا چین و روسیه می‌توانند و می‌خواهند از رژیم ایران ...

۴

پایان نزدیک است



یک تروریست کمتر

کریم پرویزی

در واپسین روزهای سال ۲۰۱۹، برای انحراف اعتراضات مردم به ستوه آمده عراق علیه دخالت‌های ایران، نیروهای شبه نظامی نزدیک به رژیم ایران و گروه‌های ساخته این رژیم، به سفارتخانه آمریکا در بغداد حمله کردند و چندین مکان آن را به آتش کشیدند. در نخستین لحظات روزهای سالی تازه میلادی در بغداد، هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا، طراح حمله به سفارتخانه‌ی آمریکا و همراهان وی را هدف قرار دادند و همه آنان را یکجا کشتند. در این حمله قاسم سلیمانی که فرماندهی نیروی تروریستی قدس، وابسته به سپاه پاسداران اسلامی ایران بود کشته شد. قاسم سلمیانی از لحاظ نظامی فرمانده یکی از شاخه‌های سپاه تروریستی پاسداران بود. اما از لحاظ عمل نفر دوم رژیم بعد از خامنه‌ای بود. چرا که استراتژی سیاسی و اقتصادی و رفتار رژیم اسلامی ایران از سوی خامنه‌ای به قاسم سلیمانی واگذار شده بود و کشته شدن قاسم سلیمانی فارغ از همه پیام و علل آن، این پیام روشن بود به رژیم ایران بود که تنها یک مرحله باقی مانده و آن کشتن خامنه‌ای است! به همین دلیل پیامی روشن و دقیق است که وی یا باید به خواسته‌های جهانی کردن نهد یا اینکه رژیم آن از بین خواهد رفت. بعد از نابودی قاسم سلیمانی یکی از فرمانده تیروریست وابسته به رژیم اسلامی ایران، رژیم تهران بر سر دو راهی قرار گرفته است، آیا پاسخ بدهد به مانند آنکه نماینده آنها در سازمان ملل متحد گفت جواب «اقدام نظامی» را با اقدام نظامی بدهند یا اینکه طوری دیگر بسیجی و پاسدارها را راضی کنند؟ اگر پاسدارها به آمریکا جواب دهند، واکنش بعد از آن پیش‌بینی نخواهد نشد، همچنان که ترامپ گفته است ۵۲ نقطه حائز اهمیت در ایران را هدف قرار می‌دهند، شاید یکی از این نقاط جماران باشد یا اینکه کار به جنگ تمام عیار برسد که دیگر اثری از جمهور اسلامی بر روی زمین باقی نخواهد ماند. به همین سبب

ادامه در صفحه ۳



بود که چنین می‌پنداشتند که گویا سپاه پاسداران و سپاه قدس از لحاظ امنیتی نفوذناپذیر هستند. اما حمله آمریکایی‌ها این خواب را باطل کرد و به جهان اثبات کرد که همه تحرکات محرمانه و ویژه بالاترین مقامات را تحت نظر دارد و در دستان شیطان بزرگ هستند! اکنون رژیم دو راه در پیش رو دارد: یا باید موضع بگیرد یا سکوت برگزیند؛ اگر سکوت اختیار کند یا اقدامی انجام ندهد در پیش روی ملتها دیگر نفوذ فکری نخواهد داشت و به مانند داخل مشروعبیتی نخواهد داشت. اگر واکنش نشان دهد و قصد انتقام داشته باشد کنترل آن سخت می‌باشد یا حداقل در دست رژیم نخواهد بود. این نیز به ما می‌گوید: "پایان نزدیک است".

معنای کوتاه شدن قدرت رژیم در منطقه است. پروژه دیگر رژیم که با کشتن سلیمانی با شکست مواجه شد یا حداقل به تاخیر افتاد، برنامه‌ی افزایش آشتی‌گی‌ها در منطقه به‌خصوص در عراق است که در روزهای اخیر به وضوح مشاهده شد که چگونه قاسم سلیمانی از طریق حشد شعبی به سفارتخانه آمریکا در بغداد حمله کرد. قاسم سلیمانی شبکه گسترده‌ای تروریستی را در منطقه ایجاد کرده بود که بیشتر نهادها و موسسات دولتی را در دست داشت. از شهرداری‌ها گرفته تا اوقاف، هلال احمر و نیروی قدس و وزارت دفاع و دستگاه دیپلوماسی رژیم و... که بدین شیوه بسیار آسان سلاح و مهمات جنگی را تحویل تروریستها می‌داد و اهداف کوتاه و بلند مدت رژیم را تحقق می‌بخشید. اما اکنون پروژه هلال شیعی دچار مشکل جدی شده است. سالیانی مدیدی

داغدار، بی‌خانمان و آواره کرده بود دربر گرفت. همچنین در بسیاری از شهرهای ایران آزادیخواهان ایران با نوشتن شعار "دمت گرم ترامپ" از آمریکا تشکر کردند که یک تروریست منفور را نابود کرده است. قدردانی از ترامپ و کابینه وی در دنیای مجازی بازتاب وسیعی داشت که در شبکه‌های اجتماعی کاربران با گذاشتن پست شادی، خوشحالی خود را ابراز داشتند. از سویی دیگر بیشتر رسانه‌های جهان این خبر تاریخی را پوشش دادند که مردم کورد از آن بعنوان هدیه سال نو میلادی از آن نام می‌بردند. فارغ از این بسیاری از سناتورهای آمریکا و حتی کشورهای اروپایی از کشتن قاسم سلیمانی بعنوان تصمیمی تاریخی یاد کردند. اکنون با کشتن قاسم سلیمانی یکی از فرماندهان سپاه تروریست ایران از دست رفت و پل ارتباطی بین گروه‌های وابسته به جماران از هم گسیخت و این به

می‌گفتند: "باید بتمن و سوپرمن و مرد عنکبوتی‌های (Spi-der-Man) خود را بیاورید تا بتوانید سلیمانی را از میان بردارید". اما امروز نظاره‌گر آن بودیم که شکوه خیالی و واهی رژیم تهران نیازی به بتمن و سوپرمن‌ها ندارد. سلیمانی که در نزد پاسدارهای بزدل رژیم و در راس آن‌ها علی خامنه‌ای مانند نماد و اسطوره‌ای تلقی می‌شد، امروزه همه آنها زانوی غم بغل گرفته‌اند. طی ۱۰ سال گذشته سلیمانی یکی از کارتهای فشار بود که خامنه‌ای از آن در مقابل غرب استفاده می‌کرد. کسی که مسئول مستقیم افزایش نفوذ رژیم در منطقه و عمق استراتژیک جمهوری اسلامی بود و بیشتر اوقات از وی بعنوان کابوس دشمن نام می‌بردند. بعد از کشته‌شدن سلیمانی موجی از شادی ایران و عراق که وی مردم این کشورها را

سیزدهم دی ماه ۹۸، به روزی تاریخی برای آزادیخواهان ایران و منطقه و آزادیخواهان کورد از چنگ فاشیسم میدل گشت. طی یک برنامه‌ریزی قاسم سلیمانی، بزرگ تروریست رژیم اسلامی ایران، که شاید جنایت‌ها و ایفای نقش وی در راستای بی‌ثبات کردن منطقه هم‌تراز کسانی مانند بن لادن و ابوبکر بغدادی قلمداد شود، با ابومهدی مهندس از سوی نیروهای آمریکایی کشته شدند. این رویداد که در فاصله اندکی به مانند بمبی در رسانه‌های جهان منفجر شد، به تبلیغات رژیم آخوندی پایان داد. طی سال‌های گذشته، روزی نبود که رسانه‌های جهان از نقش پاسدار تروریست قاسم سلیمانی سخن به میان نیاورند که پیوسته مشغول طرح‌ریزی برای مردم بی گناه بود. چند سال قبل مطبوعات رژیم و به ویژه شبکه‌های اجتماعی وابسته به سپاه خطاب به آمریکایی‌های

پیام تبریک «مصطفی هجری» به «کوسرت رسول»



برسانید.

با احترام
حزب دمکرات کوردستان ایران
مسئول اجرایی
مصطفی هجری
۷ دی ماه ۱۳۹۸ شمسی
۲۸ دسامبر ۲۰۱۹ میلادی

کنگره تبریک می‌گوئیم.

امیدواریم رهبری تازه از طریق اتحاد و همبستگی با جریان‌های میدان سیاسی اقلیم کوردستان و خدمت به آرمان‌های والای کورد در تمامی عرصه‌ها، وظایف میهنی خود را با موفقیت به انجام

مسئول اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران طی پیامی به "کوسرت رسول" مسئول شورای عالی سیاسی اتحادیه میهنی کوردستان تبریک گفتند.

متن پیام بدین شرح است:
جناب آقای "کوسرت رسول" مسئول شورای عالی سیاسی اتحادیه میهنی کوردستان

با سلام و درود فراوان به مناسبت انتخاب جنابعالی به عنوان مسئول شورای عالی سیاسی اتحادیه میهنی کوردستان، همچنین به مناسبت برگزاری چهارمین کنگره خود، به جنابعالی و تمامی اعضای شورای عالی سیاسی و اعضای شورای عمومی رهبری منتخب

حزب دمکرات و حزب زحمتکشان کوردستان بر اتحاد و همبستگی تاکید نمودند



توجه بر وضعیت حساس منطقه و شرایط کوردستان در تمامی بخش‌ها، "هجری" مطلبی درباره وضعیت کورد در ایران و عراق ارائه نمودند. ایشان دلیل اصلی مشکلات کورد را رژیم اسلامی ایران نام بردند که بزرگترین مانع بر سر راه رسیدن مردم به ویژه مردم کورد به آزادی و پیشرفت اجتماعی و سیاسی است. در این دیدار "سعد خالد" ضمن ارائه برخی اطلاعات از اهداف کنگره حزب، درباره اهداف حزب زحمتکشان سخنانی را ایراد نمود و هر کدام را با جزئیات مورد تحلیل و ارزیابی قرار داد که با چه هدفی و به چه دلیلی بر گزیده‌اند. در ادامه این نشست ایشان ضمن تاکید بر اتحاد ملت کورد در تمامی بخش‌ها، در مورد همبستگی کورد در وضعیت حساس کنونی عراق سخنانی را ارائه نمودند. در این دیدار بر اتحاد و تداوم روابط تاکید نمودند.

حزب زحمتکشان کوردستان دیدار نموده و از سوی هیئتی از این حزب به رهبری "سعد خالد"، معاون دبیر کل، مورد استقبال قرار گرفتند. در این دیدار، "هجری" ضمن تبریک برگزاری کنگره و انتخاب رهبریت جدید؛ جهت تداوم کار و فعالیت حزب زحمتکشان، بر همکاری و روابط دوستانه با این حزب، رهبری و مسئولین منتخب کنگره جدید زحمتکشان تاکید نمودند. در این گفتگوها، ضمن

مسئول اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران، ضمن تبریک برگزاری کنگره هشتم حزب زحمتکشان کوردستان، برای رهبری جدید این حزب آرزوی موفقیت کرد. روز دوشنبه، نهم دی ماه سال ۱۳۹۸ شمسی مصادف با ۳۰ دسامبر ۲۰۱۹ میلادی، هیئتی بلند پایه حزب دمکرات کوردستان ایران به سرپرستی "مصطفی هجری" مسئول اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران، با

شب یلدا

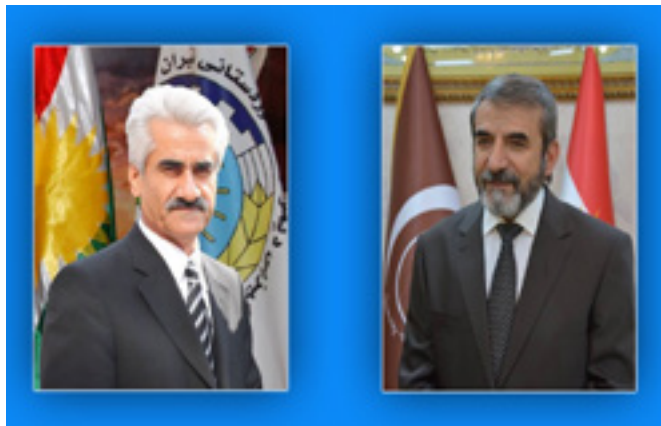
در کوه‌های سرکش کوردستان گرامی داشته شد

گردید. این مراسم در چندین بخش مختلف، مانند: "سخنرانی، شعر، نثر، مسابقه، سرودن شعر و آهنگ و اهدای جوایز" برگزار گردید. در این مراسم سخنانی در مورد رسوم میتراپی، تاریخچه شب یلدا و اهمیت شب یلدا در بین کوردها و گفتمانی در مورد عمر گرانها و سرافرازانه دکتر "عبدالرحمن قاسملو" تقدیم شد. همچنین سخنانی در مورد شخصیت و چگونگی شهادت شهید دکتر "عبدالرحمن قاسملو" از سوی فرماندهی نیروی ۱۱۵، "بهمن دهقان" تقدیم حضار گردید. سپس سرودهای "همسته‌وه دوکتوری زانا، راسانی رۆژه‌لالت و چاوهری بن وا هاتین" از سوی گروه سرود نیروی ۱۱۵ و چند پیشرگه نیروی ۱۲۲ قرائت شده و فضایی انقلابی به مراسم بخشید. در ادامه مراسم "۸۹"امین سالیا

شب یلدا، شب تولد رهبر آشتی‌خواه ملتمان دکتر "عبدالرحمن قاسملو"، با تجدید میثاق خاکی پوشان در کوه‌های کوردستان با راه این رهبر کورد گرامی داشته شد. خبرنگار "کوردستان میدیا" در کوه‌های کوردستان اعلام کرد، مراسم گرامی داشت شب یلدا توسط نیروی پیشمرگه کوردستان و در چندین مقر و سنگر خاکی پوشان بدین شیوه برگزار شد:

ابتدای مراسم با قرائت سرود ملی "ای رقیب" و یک دقیقه سکوت به احترام روح پاک شهیدان کوردستان، بویژه رهبر جاویدان ملت کورد آغاز شد. سپس سخنانی کاک دکتر "عبدالرحمن قاسملو" نسبت به فلسفه مبارزاتی و شیوه‌های زندگی شرافتمندانه و مرگ سرافرازانه، منتشر گردید. سپس شمع "۸۹" سالگی رهبرمان از سوی خاکی پوشان روشن

پیام تبریک «مصطفی هجری» به «صلاح‌الدین بهاء‌الدین»



مسئول اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران طی پیامی به "صلاح‌الدین بهاء‌الدین"، امیر اتحادیه اسلامی کوردستان تبریک گفتند.

متن پیام به شرح ذیل می‌باشد:
جناب ماموستا صلاح‌الدین بهاء‌الدین امیر اتحادیه اسلامی کوردستان

با سلام به مناسبت انتخاب جنابعالی به عنوان امیر اتحادیه اسلامی به شما و تمامی اعضای رهبری منتخب کنگره هشتم تبریک عرض می‌نمایم. امید است که رهبری جدید اتحادیه، نقش موثری در همبستگی جریان‌ات اقلیم کوردستان

داشته باشد و این لازمه‌ای اصلی در این مقطع می‌باشد که عراق در آن قرار گرفته است. همچنین به پیشرفت مسئله کورد در همه بخش‌های کوردستان همکاری موثر داشته باشد.

با احترام
حزب دمکرات کوردستان ایران
مسئول اجرایی
مصطفی هجری
۹ دی‌ماه ۱۳۹۸ خورشیدی
۲۰ دسامبر ۲۰۱۹ میلادی

مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران انتخابات نمایشی مجلس ایران را تحریم کرد



ناوهندی هاوکاری حیزبه‌کانی کوردستانی ئیران
Cooperation Center of Iranian Kurdistan's Political Parties.
مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران

به جنایات رژیم ایفای نقش نموده و خود را در تمامی کشتارها و جنایات چند سال اخیر رژیم سهیم نموده است. در این رابطه، مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران توده‌های مردم سرتاسر ایران به ویژه کوردستان را مخاطب قرار داده و از آنان می‌خواهد که از حضور در پای صندوق‌های نمایش انتخابات خودداری نموده و اجازه ندهند که توطئه‌ها و نقشه‌های پلید رژیم برای کشتادن مردم به پای صندوق‌های رأی تحقق یابد. همچنین به کسانی که با هر نیتی برای به اصطلاح نمایندگی در چنین مجلسی ثبت نام و نامزدی خود را اعلام نموده‌اند، یادآور می‌شود که منافع مردم را به مصالح شخصی خویش ترجیح دهند و بنیان منافع و خواست‌های خویش را بر ماندگاری و بقای جمهوری اسلامی استوار نمایند. همچنین یادآور می‌شویم که در اوضاع و شرایط کنونی، تحریم فعال انتخابات مجلس شورای اسلامی رژیم، بیش از هر زمان دیگری تبدیل به یک مسئولیت و وظیفه‌ی خطرناک ملی و میهنی شده است. به امید خنثی نمودن تمامی توطئه‌های رژیم و سر دادن "نه"ی رسای دیگری به رژیم به گونه‌ای که پاسخی درخور و سزاوار اعتراضات مردمی و بیابانگر احترام و نکوداشت یاد قربانیان و مجروحان سرکوب‌های اخیر مردم بی‌پاخسته‌ی میهنمان باشد.

مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران

نمودند، هزاران تن را زخمی نموده و هزاران تن دیگر را ربوده و روانه‌ی شکنجه‌گاه‌ها و سیاه چال‌هایشان نمودند، که تاکنون نیز اطلاع دقیقی از سرنوشت آنان در دست نیست. لیکن نه مجلس به طور کلی و نه نمایندگان آن به طور خاص، موضع مناسبی در قبال این اقدامات رژیم اتخاذ ننمودند. تظاهرات خیابانی و تجمعات اعتراضی امسال و چند سال اخیر ملیتهای ایران به طور کلی و به ویژه مردم کوردستان، منفور بودن و فقدان پایگاه اجتماعی رژیم جمهوری اسلامی ایران را در میان مردم کاملاً آشکار نموده است. جمهوری اسلامی علاوه بر ارتکاب جنایات فاحش علیه مردم بی‌پاخسته و بجان آمده، قصد دارد که با به راه انداختن نمایش انتخابات و کشتادن مردم به پای صندوق‌های رای، در انتظار جهانیان مشروعیت و اعتباری برای خود دست و پا کند و از این طریق سروشی بر رسوایی گسترده‌ی خود بگذارد. با در نظر گرفتن این واقعیتها، مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران در نشست روز دوشنبه ۲ دیماه ۱۳۹۸ خورشیدی برابر با ۲۳ دسامبر ۲۰۱۹ میلادی خود تحریم فعال انتخابات مجلس شورای اسلامی رژیم را به تصویب رساند و بر این باوریم که در شرایط و اوضاع کنونی ایران و کوردستان هر کس که خود را برای این انتخابات نمایشی نامزد کند یا درپای صندوق‌های رای حضور یابد، مستقیماً در مشروعیت دادن

متن این بیانیه بدین شرح است: در رابطه با تحریم نمایش انتخابات نمایشی مجلس در ایران هم‌میهنان گرامی! توده‌های مردم حق‌طلب کوردستان! رژیم جمهوری اسلامی ایران پس از کلی مانع‌تراشی و عبور دادن نامزدهای نمایندگی مجلس شورای اسلامی از فیلترهای متعدد، در صدد است تا در آینده‌ای نزدیک نمایش انتخابات را برگزار نماید.

مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران اعتقاد راسخ دارد که به درازای عمر جمهوری اسلامی ایران، مجلس شورای اسلامی همواره عاری از محتوا و ماهیت یک پارلمان واقعی بوده و نه تنها هرگز نتوانسته است که در مسائل حساس و خطیر ایران تصمیم‌گیر و تأثیرگذار باشد، بلکه خود این مجلس نیز از ارکان مهم رژیم بوده که نقشی عمده در سرکوبگریهای رژیم داشته است. علاوه بر این واقعیت، در شرایط کنونی به ویژه پس از اعتراضات و نارضایتی‌های مردم کوردستان و ایران در آبان‌ماه امسال، به گونه‌ای آشکارتر و علنی‌تر از گذشته ثابت شد که نه مجلس رژیم یک پارلمان واقعی است و نه نمایندگان چنین مجلسی خود را ملزم به دفاع از حقوق مردم و حقوق و آزادی‌هایشان می‌دانند. در جریان این اعتراضات نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی به فرمان مستقیم خامنه‌ای مردم را به ربگار گلوله بسته و صدها تن از آنان را کشتار

کنگره ملیت‌های ایران فدرال در رابطه با چهل‌م‌جان باختگان اطلاعیه‌ای منتشر نمود



اجباری می‌فرستند گرفته و برای آزادی هزاران تن از بازداشت‌شدگان اعتراضات اخیر اقدامات لازم را انجام دهند.

رژیم جمهوری اسلامی ایران با قتل‌عام اخیربطور کلی مشروعیت خود را از دست داده و دیگر جای در میان مردم ایران نخواهد داشت لذا کنگره ملیت‌های ایران فدرال مسرانه از نهادهای بین المللی می‌خواهد نمایندگان رژیم جمهوری اسلامی را که در واقع هیچگونه مشروعیتی از جانب مردم ایران دارا نمی باشند را از نهادهای بین المللی طرد نمایند.

کنگره ملیت‌های ایران فدرال ۲۳ دسامبر ۲۰۱۹ی میلادی

ادامه سخن

در حال کنونی تهدید و هیاهوی زیادی می‌کنند که طرفداران خود را اقناع کنند، اما خود می‌دانند که اشتباه آنها اشتباه مرگ است. برای هر آزادیخواهی، نابودی تروریست‌ها جای خوشحالی دادر و هر چه تروریست کمتر شود، جهان به سوی صلح و آبادانی بیشتر قدم می‌گذارد، اما برای کورد و کوردستان از میان رفتن فرمانده تروریست قدس بسی بیشتر جای خوشحالی دارد؛ سپاه پاسدران رژیم، گرز سرکوبگر این برای ویرانی کوردستان بوده و همچنین سپاه قدس مسئول ترور رهبران حزب دمکرات و کورد در خارج از کشور بوده و سپاه قدس وسیله‌ای برای ترور رهبران کورد، دکتر قاسملو و دکتر شرفکندی بوده است. در زمان مسئولیت قاسم سلیمانی نیز جرم سپاه قدس علیه کورد و کوردستان بیشتر و بیشتر بوده و حتی سخن از آن می‌رفت که در حماسه کوسلان قاسم سلیمانی خود به سروآباد رفته و فرمان داده بود که با سلاح فسفری ممنوعه به پیشمرگه‌های حزب دمکرات حمله کنند. اما کشته‌شدن یک فرمانده تروریست پایان کار نیست و این رژیم از بیخ و بن و در تمامیت خود سیستمی تروریستی و تروریست پرور است. یک تروریست کم خواهد شد. فردی مجرم‌تر به جای وی گماشته می‌شود. زمانی جهان و منطقه روی آرامش به خود خواهند دید که منبع تروریسم یعنی رژیم حاکم بر تهران نابود شود.

مراسم بزرگداشت در همه مناطق ایران با عزیران جانباخته تجدید عهد و میثاق نمایند رژیم ضد بشری و واپسگرای ولایت فقیه بیش از ۱۵۰۰نفر از مردان، زنان و جوانان و نوجوانان کم سن سال را به طور عمد قتل عام نموده است. مردم ما اکنون در آستانه حلول سال جدید میلادی در جای جای سرزمین پهناور و متنوع ایران از شمال گرفته تا جنوب و از غرب تا شرق در سوگ این عزیزان به عزا نشسته‌اند.

ما با این جانباختگان که جز اعتراض مسالمت آمیز علیه نابسامانی‌ها، اوضاع بد معیشتی، بحران‌های اقتصادی، اجتماعی سیاسی، فقر و فساد که حاصل سیاست‌های نادرست جهل و استبداد ولایت فقیه است، هیچ گناهی را مرتکب نشده‌اند، مجددا تجدید میثاق می‌کنیم که راهشان را ادامه خواهیم داد

۴۰ روز پیش رژیم جمهوری اسلامی تهران و قم با قطع انترنت و ایجاد نوعی انسداد خبری مطلق به دور از چشم جهانیان با کشتار وسیع مرتکب جنایت ضد بشری دیگری شد کشتارهای دسته جمعی اسلام شهرو ماهشهر (معشور) و سایر مناطق ایران که تصاویر ویدیویی آن هفته‌ها پس از وصل مجدد انترنت به بیرون درز نمودو از این طریق به سازمان‌ها و نهادهای بین المللی حقوق بشری رسید، همه بیانگر عمق فاجعه‌ای است که رژیم ضدبشری ولایت فقیه طی یک هفته در مناطق مختلف ایران مرتکب شده است.

کنگره ملیت‌های ایران فدرال ضمن محکومنمودن مجدد این جنایت ضدبشری رژیم جمهوری اسلامی، یاد جان باخت‌ه گان راه آزادی، برابری و دمکراسی را که علیه خفقان و واپسگرایی رژیم قرون وسطایی قیام نمودند گرامی می دارد.

در این راستا کنگره از همه نهادهای بین‌المللی وحقوق بشری می‌خواهد تا با فشار به رژیم استبدادی تهران جلوی اربعاب، سرکوب، ترور و بازداشت‌های غیر قانونی کششگران و فعالان سیاسی و مدنی که با ضابطه‌های خودساخته غیر منطقی وغیر قانونی، افراد و گروه‌ها را به سیاه‌چاله‌های بازجویی، بازداشت‌های طولانی، دادگاه‌های غیرعلمی، جس‌های تعزیری و تعلیقی و اعتراف‌گیری‌های

کنگره ملیت‌های ایران فدرال طی اطلاعیه‌ای ضمن گرامی داشت چهلمین روز جان باخت‌ه گان راه آزادی و برابری، با شهیدان این قیام برحق مردم ایران و خانواده‌هایشان تجدید عهد و پیمان می‌نماید. متن اطلاعیه بدین شرح است: اطلاعیه کنگره ملیت‌های ایران فدرال درخصوص چهلمین روز جان‌باختن قیام بیست‌وپنج آبانماه

مردم مبارز آزادی‌خواهان ایران
۴۰ روز از قیام قهرمانانه مردم مبارز در اقصاباط ایران و کشتار بی رحمانه بیش از ۱۵۰۰نفر از این مردم به جان امده اعم از زنان و کودکان و مردان توسط نیروهای امنیتی رژیم جمهوری اسلامی ایران می گذرد و برغم وجود چنین فاجعه‌ای هولناک و با اینکه خبرگزاری‌های معتبر جهان از کشته شدن چنین تعدادی خبر داده‌اند،اما رژیم قرون وسطایی جمهوری اسلامی هنوز نه تنها آمار کشته شدگان را اعلام نکرده بلکه دستگاه‌های امنیتی وسرکوبگریه بازداشت‌های دسته جمعی واعمال فشار بر خانواده‌های قربانیان این فاجعه ادامه می دهند و از خانواده‌های جان‌باخته گان قیام آبانماه می‌خواهند تا شهید شدن عزیزانشان را کتمان نمایند.

خامن‌ه‌ای که به واکنش سازمان‌های بین المللی نسبت به عمق فاجعه پی برده است اکنون خود و پاسدارعلی شمشانی دبیر کل شورای عالی امنیت ملی تلاش می‌نمایند تا با تطبیع مالی یا به زیر پوشش بنیاد شهید درآوردن برخی از جانباخته‌گان، مطالبه خون این عزیزان از دست رفته را با خست و خیاثت پایمال کرده وهمچون قاتلی که زیر جنازه مقتول راه برود از مسئولیت ارتکاب جنایت خود شانه خالی نمایند.

کنگره ملیت‌های ایران فدرال ضمن گرامی داشت چهلمین روز جان باخت‌ه گان راه آزادی و برابری، با شهیدان این قیام برحق مردم ایران و خانواده‌هایشان تجدید عهد و پیمان می‌نماید از هیچ تلاشی تاتحقق آرمان‌های انسانی این عزیران که جانشان را نثار آن کردند، فروگذار نخواهد کرد.

کنگره ملیت‌های ایران فدرال به این مناسبت از عموم مردم ایران می‌خواهد تا ضمن همدردی با خانواده‌های جان‌باخته گان در روز پنجم دیماه روز چهل‌م این شهیدان را گرامی داشته و با برگزاری

مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران فراخوانی را منتشر نمود

خانواده‌های قربانیان سرکوب‌های اخیر ایران و کوردستان و همچنین زمینه‌ای برای ابراز نارضایتی و تداوم اعتراضات مردمی علیه رژیم گردد. مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران از مردم کوردستان می‌خواهد که ضمن ابراز همدردی با خانواده‌های قربانیان جنایات و سرکوب‌های رژیم جمهوری اسلامی و به منظور زنده نگاه داشتن یاد این قربانیان، اراده‌ی مشترک خود مبنی بر پیگیری مجدانه‌ی حقوق حقه‌ی خویش را یک بار دیگر به نمایش گذاشته و نشان دهند که سرکوب خونین و ارباب و کشتار بیرحمانه خللی در عزم و اراده‌ی راسخ مبارزاتی آنان وارد نخواهد کرد و آنان را از سنگر مبارزه و پیکار در راه حقوقشان قدمی به عقب نخواهد نشاند. مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران مشخصا خواهان آن است که در روز پنجشنبه ۵ دیماه:

۱. رأس ساعت ۳ بعد از ظهر در خیابان‌ها و معابر عمومی، بازارها و محل کار به احترام قربانیان سرکوب خونین اعتراضات اخیر، هر جا که هستند، به مدت پنج دقیقه سر جای خود ساکت بایستند. همچنین بایستی به هر نحوی که مقذور باشد، یاد و خاطره‌ی این عزیزان را زنده نگه داریم.

۲. از خانواده‌های جانباختگان، مجروحان و بازداشت‌شدگان رویدادهای اخیر دیدار نموده و ضمن ابراز همدردی، همبستگی ملی و مبارزاتی خود را با آنان نشان دهیم.

۳. با انجام فعالیت تبلیغی و نوشتن و سردادن شعار و انتشار تراکت، خیابان‌ها و اماکن عمومی را یک بار دیگر تبدیل به عرصه و سنگری برای مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی نماییم.

ومرکز همکاری احزاب کوردستان ایران ۲ دیماه ۱۳۹۸ خورشیدی

تدریس با

دستانی خون‌آلود



رژیم ایران خواست تا موسویان و دیگر تروریستهای این رژیم را از خاک آلمان خارج کند".

این مقاله همچنین می‌گوید که بعد از خروج موسویان از آلمان، بعنوان مشاور شورای امنیت رژیم ایران منصوب شد. سپس در دوران ریاست جمهوری اوباما به آمریکا آمده و با مراکز فکری آمریکا جلسه داشته و از او مشاوره دریافت می‌کردند.

نویسندگان این مقاله می‌گویند که موسویان که در خاک آمریکا زندگی می‌کند، در این سال‌ها نه تنها علیه ترور میکونوس سخنی

بنا بر خواست عمومی و فراخوان‌های مردمی قرار است که روز ۵ دیماه امسال تبدیل به فرصتی برای ابراز همدردی با خانواده‌های قربانیان سرکوب‌های اخیر ایران و کوردستان و همچنین زمینه‌ای برای ابراز نارضایتی و تداوم اعتراضات مردمی علیه رژیم گردد، در این رابطه مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران فراخوانی را منتشر نمود.

متن فراخوان در پی می‌آید:

فراخوان مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران ملت‌های آزادیخواه ایران! مردم مبارز کوردستان!

رخدادهای اواخر آبان ماه نشان داد که حکومت جمهوری اسلامی همچون همیشه در مقابل خواستها و مطالبات برحق توده‌های مردم ایران صرفا زبان خشونت و سرکوب را می‌شناسد. به همین دلیل، اعتراضات مسالمت‌آمیز و حق‌طلبانه‌ی مردم ایران را به شدت سرکوب نموده و خیابان‌ها و اماکن عمومی شهرها و مناطق پیاخاسته‌ی مختلف ایران و کوردستان را با خون جوانان آزادیخواه گلگون نمود. رژیم جمهوری اسلامی ایران در جریان سرکوب‌های وحشیانه‌ی این بار نیز صداها تن را مستقیما به قتل رسانده و هزاران نفر را زخمی نمود و هزاران نفر را دستگیر و روانه‌ی سیاهچال‌هایش نمود که بخش عظیمی از آنان هنوز هم در زندان‌های رژیم محبوس می‌باشند. این میزان از خشونت و سرکوب خونین بیانگر هراس شدید رژیم از فراگیر شدن جنبش حق‌طلبانه‌ی ملیت‌ها و اقشار و طبقات اجتماعی مختلف ایران و نارضایتی‌ها و اعتراضات عمومی علیه مجموعه بحران‌ها و مصائبی است که بر اثر سوء مدیریت و سیاست‌های جمهوری اسلامی گریبانگیر مردم شده است. مردم ایران به ویژه ملت

روزنامه "تیویورک پست"، در مقاله‌ای از تدریس یک تروریست رژیم ایران در آمریکا سخن گفت. در مقاله‌ای که در "تیویورک پست" منتشر شده است، دو نویسنده از ترور رهبران کورد در سال ۱۹۹۲ در رستوران "میکونوس" سخن می‌گویند که در آن دکتر "شرفکندی" و یارانش بدست تروریستان ایران به شهادت رسیدند.

در این مقاله نویسندگان از "حسین موسویان" سخن می‌گویند که در زمان ترور دکتر "شرفکندی"، سفیر رژیم ایران در برلین و پناهگاه تروریست‌های رژیم ایران بود.

نویسندگان این مقاله می‌گویند: "در سال ۱۹۹۲، موسویان سفیر رژیم ایران در آلمان بود و در زمان دادگاهی تروریستان رژیم ایران گفت که تهمت‌هایی که به ایران زده می‌شود مانند جوک می‌ماند و می‌بینید که دادگاه حکومت ایران را بی گناه معرفی می‌کند. اما بعد دادگاه علیه رژیم ایران حکم صادر نمود. دولت آلمان از

یک تصویر از یک رزمی‌کار ایرانی

آیا چین و روسیه می‌توانند و می‌خواهند از رژیم ایران

در برابر غرب حمایت کنند؟

مختار نقش‌بندی

رسانه‌های ایران با آب و تاب زیادی مانور نظامی مشترک ایران با چین و روسیه را در آب‌های خلیج فارس و دریای عمان بازتاب دادند چون این مانور بیشتر از آنکه اهمیت نظامی برای رژیم ایران داشته باشد از لحاظ تبلیغی در این شرایط انزوای سیاسی به یاری رژیم آمد تا برای مدت کوتاهی هم شده حداقل هواداران و عوامل رژیم را کمی دلگرم کنند، تحریم ها و فشارهای پی‌درپی آمریکا و امتناع شرکتهای اروپائی و روسی و چینی از هرگونه رابطه اقتصادی با ایران حتی نا امیدی و احساس شکست را هم به صفوف اصولگرایان رژیم رسانده بود و این مانور برای رژیم بیشتر یک هدیه سیاسی از طرف روسیه و چین بود، اما این هدیه تنها نقش یک مسکن و آرامبخش کوتاه‌مدت را دارد و هیچ راه حلی برای پایان مشکلات ایران به خصوص مشکلات اقتصادی وجود ندارد مگر با پایان فساد در سیستم اقتصادی و اداری ایران و تغییر سیاست خارجی رژیم که اینها تنها با سرنگونی رژیم امکان‌پذیر است، در این مقاله به بررسی این موضوع خواهیم پرداخت که آیا از لحاظ نظامی، روسیه و چین توانایی حمایت از رژیم ایران در جنگ با آمریکا را دارند و آیا از این توانایی استفاده خواهند کرد؟

بهرتر است برای درک بهتر موضوع در ابتدا نگاهی به توانائی‌ها و مشکلات نظامی آمریکا و روسیه و چین بیاندازیم. روسیه و چین پس از آمریکا قدرت‌های نظامی دوم و سوم جهان

هستند و در دهه گذشته هر کدام به دلایلی فعالیت‌های نظامیشان را افزایش داده‌اند، روسیه هرچند از لحاظ اقتصادی با مشکلاتی روبه‌رو است و بودجه نظامی این کشور (۴۴ میلیارد دلار) درحد بودجه نظامی انگلستان و فرانسه است و فاصله بسیار زیادی با بودجه نظامی آمریکا دارد اما تکنولوژی نظامی و سلاح‌های استراتژیک هسته‌ای این کشور فعلا این امکان را به روسیه داده است که تا چند دهه دیگر هم‌قدرت نظامی دوم جهان باشد و در چند سال گذشته با حضور در جنگ داخلی سوریه و پشتیبانی از رژیم بشار اسد و همچنین الحاق کریمه به خاک روسیه در عمل نشان داده است که اگر لازم باشد از قدرت نظامی برای حفظ منافعش استفاده خواهد کرد، از طرفی چین هر چند از نظر تکنولوژی نظامی و فنی با روسیه و آمریکا و حتی قدرت های اروپائی فاصله زیادی دارد اما از لحاظ اقتصادی به یک قدرت بزرگ تبدیل شده و اکنون تولید ناخالص داخلی چین با کل تولید ناخالص داخلی اتحادیه اروپا برابری می کند و چین با رشد سریع اقتصادی در حال نزدیک شدن به آمریکاست و تا قبل از سال ۲۰۳۰ تولید ناخالص داخلی چین از آمریکا جلو خواهد زد و افزایش قدرت اقتصادی امکان افزایش بیشتر بودجه نظامی را هم فراهم می‌کند، بر اساس آمار موسسه گلوبال‌فایرپاور در سال ۲۰۱۹ چین با بودجه نظامی ۲۲۴ میلیارد دلاری پس از آمریکا با بودجه نظامی ۷۱۶ میلیارد دلاری در رتبه دوم جهان از لحاظ هزینه های نظامی قرار داشت و هر سال در حال افزایش بودجه نظامی است

و از چند سال گذشته در حال افزایش حضور نظامی در مناطق مختلف جهان است، البته چین بسیار محتاطانه قدم برمی‌دارد و از هرگونه جنگی خودداری می کند تا بطور مستقیم و غیرمستقیم به رشد اقتصادی این کشور ضربه وارد نشود، چین مشکلات بسیار زیادی با همسایگانش دارد و آمریکا هم برای کنترل چین حضور سنگینی در آب های اطراف چین دارد به همین دلیل چین فعلا نمی‌خواهد نیرو و تجهیزات زیادی را به مناطق دور ارسال کند و از طرفی چین برای تامین انرژی اقتصاد رو به رشدش نیاز به انرژی خاورمیانه دارد و در دهه آینده تلاش‌هایش برای حضور در خاورمیانه افزایش پیدا خواهد کرد و دخالت‌ها و مشکلات رژیم ایران در خاورمیانه بهترین بهانه برای افزایش حضور چین خواهد بود که مطمئنا باعث افزایش حضور دیگر قدرت‌های در خاورمیانه خواهد شد و این به جزافزایش مشکلات، دستاوردی برای کشورهای خاورمیانه نخواهد داشت.

ظاهرا حضور چندین نیروی نظامی فرامنطقه‌ای در خاورمیانه در کنار دسته‌بندی‌ها و ائتلاف‌های کشورهای منطقه اوضاع را بسیار پیچیده کرده و امکان تقسیم طرف‌های درگیر به ۲ گروه امکان‌پذیر نیست، برای نمونه روسیه در سوریه هم‌پیمان رژیم ایران و رژیم بشار اسد است اما دشمنی با کشور اسرائیل ندارد، چین در بسیاری مسائل از ایران حمایت سیاسی کرده اما دشمنی با عربستان و اسرائیل ندارد و اتفاقا روابط چین با عربستان در حال گسترش است، در کل شرایط کاملا به ضرر رژیم ایران است،

رژیم ایران سال‌هاست برای حضور در سوریه و یمن هزینه کرده اما اکنون نیروها و عوامالش زیر باران آتش اسرائیل و عربستان هستند و روسیه و چین هم در عمل سکوت کرده‌اند، دلیل عدم واکنش روسیه به حملات اسرائیل به نیروهای رژیم ایران ناتوانی ارتش روسیه نیست بلکه هیچ دلیلی برای تنش و مشکل با اسرائیل ندارد، در ساختار سیاسی جهان چیزی به اسم دوستی دائمی وجود ندارد و تمام ارتباطات و ائتلاف‌ها بر اساس منافع است، در میان طرف‌های اصلی درگیر در مناقشات خاورمیانه تنها رژیم ایران است که بدون در نظر گرفتن منافع کشورش و تنها بر اساس افکار ایدئولوژیکی با بخشی از قدرت‌های جهانی دشمنی می‌کند اما دیگر کشورهای مهم خاورمیانه همچون عربستان سعودی در تلاش است که در کنار روابط همه جانبه با آمریکا با روسیه و چین هم از در دوستی وارد بشود، از طرفی آمریکا و روسیه در طول جنگ داخلی سوریه و همچنین مناقشات در چند نقطه دیگر جهان از جمله اروپای شرقی نشان دادند که از هرگونه درگیری مستقیم با یکدیگر پرهیز می‌کنند، چین هم در جنوب شرقی آسیا با احتیاط با تحرکات و فعالیت‌های نظامی آمریکا برخورد می‌کند و هیچ انگیزه و احتیاجی به جنگ با نیروهای آمریکائی ندارد پس بعید است که بخاطر دفاع از رژیم ایران مستقیما با کشورهای منطقه وارد جنگ بشوند.

رژیم ایران یک رژیم ایدئولوژیکی است که هدف رویا گونه‌اش تسلط بر جهان است و رهبران روسیه و چین باهوشرتر و زیرک‌تر از آن هستند که در دام بازی‌های رژیم

ایران بیافتند، روسیه و چین در حال رقابت با آمریکا هستند و تنها دلیل حمایت سیاسی از رژیم استفاده از این رژیم برای حضور در منطقه خاورمیانه است، فقر و رکود اقتصادی ایران برای روسیه و چین اهمیی ندارد و از رژیم ایران تنها به عنوان یک ابزار استفاده می‌کنند و روابط چهل سال گذشته رژیم ایران با این ۲ قدرت این موضوع را ثابت می‌کند برای نمونه در زمانی که ایران به سیستم اس ۳۰۰ احتیاج داشت روسیه با چند سال تاخیر این سیستم را به رژیم ایران تحویل داد، روابط آمریکا با متحدان منطقه‌ای خود هم بر اساس منافع است اما این روابط منافعی هم برای متحدانش داشته است، همانگونه که بیان شد روسیه و چین در حال افزایش فعالیت های نظامی خود در منطقه خاورمیانه هستند و در صورت بروز جنگی گسترده میان آمریکا و متحدانش با رژیم ایران بعید است که این۲ قدرت به نفع ایران وارد جنگ بشوند و احتمالا پس از چند روز درگیر سنگین و بمباران شدید ایران ناوهای جنگی این ۲ قدرت در آب‌های خلیج فارس و دریای عمان حضور بیشتری پیدا خواهند کرد تا با فشار به آمریکا و متحدانش به جنگ خاتمه بدهند و این دستاوردی برای رژیم ایران نخواهد داشت چون آمریکا و متحدانش دلیلی برای شروع جنگ یا ادامه آن ندارند و هر جنگی حتی ۱ روز به جز آسیب اقتصادی دست آوردی برای ایران ندارد.

حتی آمریکا هم تمایل به درگیری با ایران ندارد مگر آنکه رژیم ایران جنگ را شروع کند یا اینکه رژیم به طرف ساخت سلاح هسته ای برود که در این صورت روسیه و چین هم از ایران حمایت نخواهند

کوردستان

ایران

کرد، در صورت بروز جنگ آمریکا تمایل به تصرف مستقیم خاک ایران ندارد چون بسیار پرهزینه است و تنها در حالتی نیروهای خارجی وارد خاک ایران خواهند شد که رژیم ایران بخواهد قیام مردم ایران را سرکوب و کشتار وسیعی انجام بدهد که در آن صورت همچون سوریه قدرت‌های خارجی هر کدام در منطقه‌ای از ایران حضور پیدا خواهند کرد. نگرانی روسیه و چین از این است که با سرنگونی رژیم ایران منافعشان به خطر بیافتد و حکومت آینده ایران با آمریکا روابط نزدیکی داشته باشد و با روسیه و چین روابط خصمانه یا سرد. به همین دلیل لازم است اپوزیسیون متحد بشوند و پیام روشن و واضح صلح و دوستی را برای روسیه و چین و همسایگان ایران بفرستند، مطمئنا روسیه و چین اکنون از چنین جبهه متحدی از اپوزیسیون ایران حمایت نمی‌کردند اما با بدتر شدن اوضاع رژیم آن‌ها هم به طرف اپوزیسیون دست دوستی دراز می‌کرند، اگر در سوریه اپوزیسیون با هم متحد می‌شدند و به روسیه و چین و آمریکا تضمین می‌کردند که حکومت آینده برعلیه هیچ طرفی نخواهد بود مطمئنا اوضاع سوریه اینگونه نمی‌شد اما متأسفانه بیشتر اپوزیسیون گروه‌های افراطی بودند که بهانه لازم برای حضور روسیه و دفاع از بشاراسد را فراهم کردند، اگر اپوزیسیون ایرانی با احترام به حقوق همه ملیت‌ها و مذاهب و با برنامه‌ای روشن و واضح متحد بشوند امکان سرنگونی سریع رژیم بدون جنگ و حضور نیروی خارجی امکان‌پذیر است.

زن ؟!

زایش، زمین، زندگی، مادر

کافی داشت. حال خانواده‌ها فکر می‌کنند تنها داماد و دختر بی‌اعتبار است. از سوی دیگر همین پسران خانواده خود هم همین جایگاه را در خانواده همرس خود دارند. در جامعه امروزی در ایران ملاک استخدامی زنان و دختران پایین بودن سن و زیبایی رخسار او است که در محل کار نه تنها تابع خواسته‌های اداری باشد بلکه تابع خواسته‌های شخصی خود کارفرمامم باشد. در این جامه از وجود وی به عنوان ابزار استفاده می‌کنند نه به عنوان انسان. متأسفانه فقر و تنگدستی در جامعه و نبود حقوق بیکاری در ایران دختران و زنان را وادا به تن دادن به خواسته‌های جنسی کارفرما و روسا می‌کند. دختران امروز، مادران فردای جامعه هستند. در جامعه‌ای که مادران ارزش و اعتبار خود را از دست بدهند آن جامعه هیچ مرد سالمی بروی خود نخواهد دید چرا که مردان از سوی همان زنان تعلیم و تربیت داده می‌شوند.

حمایت نمی‌کند و میگوید چون شوهرت مالی را به نام تو ثبت نکرده است پس هیچ گونه حقی ندارید. البته در حکومت جمهوری اسلامی و حکومت پهلوی حق خواهر نصف حق برادر بوده است. حتی چنان فرهنگی منتشر کردند که اگر دختری سهم ارثی خود را بگیرد کاری ناروا و خلاف عرف است. چرا که ارث پدری خود را برای شوهر می‌برد. داماد در این فرهنگ خیلی بی ارزش و اعتبار است در خانواده به همین خاطر دختر را سرزنش می‌کنند که چرا ارث پدری خویش را برای شوهر می‌برد. این هم از این مساله ریشه دارد که زن در خانه شوهرش هیچ حرمتی ندارد. چون داماد به دختر خانواده احترام نمی‌گذارد و پیوسته به وی بی حرمتی می‌کند از محبوبیت کافی برخوردار نیست. اما اگر جایگاه زن چه در خانواده و چه در جامعه بالا بود دارای ارزش مدنیت کافی و لایق خود بود؛ حتما در خانه شوهر هم اعتبار و جایگاه

نظافت خانواده و نیازهای سکس شوهر را دارا می‌باشد. او حتی حق انتخاب لباس‌های خود را هم ندارد باید شوهر اجازه دهد چه رنگی بپوشد. زن امروزه هم در خانه و هم در خارج از منزل کار می‌کند. در محل کار خود به اندازه مرد کار می‌کند ولی حقوقش کمتر از حقوق مردان همکارش است. در خیلی از شرکت‌ها حقوق مرد دو برابر زن است و بیمه دارد، ولی زنان نصف حقوق و بدون بیمه دریافت می‌کنند. در مرحله سوم زن پیر شده و پا به دوران کهنولت گذاشته، در این مرحله توانایی کا کردن ندارد. فرزندان همه بزرگ شده و سر و سامان گرفته‌اند. در این مرحله زن زیر سلطه حکومتی فرزندان خود است نه ارثیه‌ای از زحمت چند ساله به وی تعلق می‌گیرد نه کسی از وی مراقبت می‌کند. اگر مردی فوت کند و قبل از مرگش مالی را از اموال خود به نام همرس خویش نکرده باشد فرزندان هیچ مالی به مادر نمی‌دهند و قانون هم از وی

پای پول در میان بود، اگر مردی پولدار به خواستگاری دختری در ۹ تا ۱۵ ساله می‌رفت. با این که مرد در سن بالای ۵۰ سال بود باز هم پدر دختر قبول می‌کرد و دختر را به او می‌داد. زنان در سه مرحله زندگی خود زیر بار ظلم مردان بودند و هم اکنون هم هستند. مرحله اول: زیر سلطه زور و حکومت پدرسالاری هستند که باید تابع حرف پدر و برادران باشد ولو این که از برادران خود هم بزرگتر باشد. در این مرحله چون اجازه هیچگونه دخالتی در امور خانواده ندارد و در خانه تمام وقت مشغول کارکردن است از رشد کافی فکری و روحی محروم می‌باشد. در مرحله دوم که وارد زندگی مشترک می‌شود بعد از ازدواج باز هم به طرق مختلف تحت نظارت شوهر خود می باشد و بدون اجازه همرس حق بیرون رفتن را هم ندارد. حتی دیدن مادر خود؛ مگر با اجازه شوهرش. زن در خانه تنها به کلفتی می‌ماند که وظیفه فراهم‌کردن غذا و

و برادران بر سر سفره پایین‌تر و زیردست آنان می‌نشستند. زنان در حکومت‌های قبل آن زمان (مادها که مهد تمدن بشر را رواج و ثبت نمودند) ارزش ویژه‌ای داشتند. اما متأسفانه بعد از هجوم جوامع عقب‌مانده‌ای چون هخامنشیان و بعدها از صحرای حجاز، فرهنگ دخترستیزی و مردسالاری در ایران باستان و خاورمیانه کنونی رواج یافت. در این حکومت‌ها بیشترین آسیب به ارزش زنان جامعه وارد شد و حتی زنان را تبدیل به قشر ضعیف و مظلوم و بی‌دفاع جامعه نمودند. تا جاییکه حتی قاضی و کدخدا و سران حکومت در قانون، خود طرفدار مردها هستند و زن در نهایت محکوم می‌شد. زنان حق انتخاب در هیچ چیزی نداشتند حتی در زندگی شخصی خود قدرت اختیار نداشتند. زنان اگر عاشق می‌شدند کشته و سنگسار می‌شدند. آنها بدون اختیار خود تن به ازدواج‌هایی می‌دادند که گاهی تن به مرگ می‌دادند تا ادامه زندگی. در اغلب این وصلت‌ها

سیاست چرخش به شرق در دو نگاه

آگری اسماعیل‌نژاد

جمهوری اسلامی سیاست خارجی خود را در قالب شعار "نه‌شرقی، نه‌غربی، جمهوری اسلامی" مطرح کرد و بعد از حمله به سفارت آمریکا در ۱۳ آبان‌ماه ۱۳۵۸ تا کنون، سیاست بین‌المللی جمهوری اسلامی مرتباً با بحران‌های خودساخته روبرو بوده است و هر دهه یک ابربحران در پیش روی سیاست بین‌المللی جمهوری اسلامی بوده است.

رژیم برای حل بحران‌های خود در مقاطع مختلف طرح‌های متفاوت داشته است و در مقطعی با مطرح کردن سیاست "غرب بدون آمریکا" تلاش کرد، که بحران در روابط بین‌المللی خود را حل کند و بعدها با ترور مخالفین و دادگاه میکونوس این سیاست به نوعی با چالش روبرو شد و پس از آغاز فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی و آشکار شدن آن درعمل سیاست "غرب بدون آمریکا" جمهوری اسلامی به بن‌بست رسید. در دور اول ریاست، جواد ظریف بر وزارت خارجه جمهوری اسلامی، او تلاش کرد "دیپلماسی چند جانبه" را مبنای کار خود قرار دهد؛ تا هم سیاست "غرب بدون آمریکا" را از بن‌بست خارج کند، و هم از رودرویی مستقیم جمهوری اسلامی با آمریکا جلوگیری کند، به تعبیری دیگر می‌خواست هزینه آمریکاستیزی رژیم را کاهش دهد؛ البته این سیاست رسمی وزارت‌خارجه رژیم نبود و بیشتر سیاست مقطعی برای تحقق برجام بود، در واقع دستگاه دیپلماسی بین‌المللی رژیم پس از بن‌بست در سیاست "غرب بدون آمریکا" ، در دو دهه گذشته تلاش کرده است، بحران در سیاست بین‌المللی خود را از طریق سیاست "چرخش به شرق" حل کند، در این میان کشور چین به عنوان دومین اقتصاد بزرگ جهان که حق وتو در شورای امنیت سازمان ملل دارد، در کانون سیاست چرخش به شرق جمهوری اسلامی قرار دارد.

کشور دومی که در کانون سیاست چرخش به شرق جمهوری اسلامی قرار دارد، روسیه است، کشوری که دومین صادرکننده بزرگ اسلحه است و سیستم‌های سپهرموشکی را به کشورهای مانند ترکیه، هندوستان و ... فروخته است، این کشور دارنده حق وتو در شورای امنیت سازمان ملل است، و در سوریه مسبب آن شد که رژیم اسد در قدرت ماندگار شود.

کشور سوم، ژاپن است، کشوری که در سیاست خارجی خود تنش صفر را انتخاب کرده و یک ابرقدرت اقتصادی و تکنولوژی است.

کشور چهارم هندوستان است، یک قدرت نوظهور اقتصادی که در IT از جایگاه مناسبی در سطح جهان برخوردار است.^(۱)

سیاست چرخش به شرق برای جمهوری اسلامی از چند جنبه دارای اهمیت است:

یک: در گفتمان جمهوری اسلامی تنها غرب به عنوان یک قدرت دشمن مطرح است و جمهوری

اسلامی با چرخش به شرق دچار چند پارگی در سطح گفتمان و عمل نمی‌شود. در واقع سیاست چرخش به شرق در راستای انسجام بین گفتمان و عمل جمهوری اسلامی در سطح بین‌المللی است. **دو:** چین به عنوان یک ابرقدرت اقتصادی که طرح‌های مانند جاده ابریشم جدید را دارد، خلا تکنولوژی و سرمایه‌گذاری را در ایران پر نماید.

سه: قدرتهای شرقی مانند چین و روسیه خود ناقضان بزرگ حقوق بشر و غیردمکراتیک هستند و مشخص است، جمهوری اسلامی با داشتن روابط وسیع با این کشورها و به حاشیه راندن قدرتهای غربی در روابط بین‌المللی خود از چالش حقوق بشری و حکومت دمکراتیک که بخشی از گفتمان کشورهای غربی است، گذر می‌کند.

چهار: چین و روسیه کشورهای دارنده حق وتو در شورای امنیت هستند و این کشورها می‌تواند در سطح سازمان‌های بین‌المللی از جمهوری اسلامی حمایت کنند. **پنج:** روسیه یک ابرقدرت تسلیحاتی و اتمی است، این کشور می‌تواند جمهوری اسلامی را در زمینه ماجراجویی موشکی و اتمی کمک کند.

شش: هند و ژاپن بعنوان کشورهای مصرف‌کننده انرژی صادراتی از ایران و قدرتهای تکنولوژیکی می‌توانند، هم شریکی قابل اعتماد برای جمهوری اسلامی باشند و هم خلاء تکنولوژی و سرمایه‌گذاری خارجی در زمینه انرژی و دیگر زمینه‌ها در ایران را پر کنند.

بر این اساس ظاهراً سیاست چرخش به شرق جمهوری اسلامی می‌تواند راهکاری برای جمهوری اسلامی برای گذر از بحران در روابط بین‌المللیش باشد.

در اینجا نشست اسلامی در مالزی و مانور دریای جمهوری اسلامی با روسیه و چین از دریچه سیاست چرخش به شرق بررسی می‌کنیم.

روز ۱۸ تا ۲۱ دسامبر ۲۰۱۹ یک نشست با حضور سه کشور ایران، قطر و ترکیه در مالزی برگزار شد، هرچند رسانه‌های "مالزی"^(۲) و شخص "ماهاتیر محمد"^(۳) تلاش کردند که اعلام کنند، این نشست در تضاد با منافع دیگر کشورهای اسلامی نیست.

اما در واقع نشست اسلامی دسامبر ۲۰۱۹ در مالزی نوعی یارگیری ائتلاف اخوان-هلال شیعه در بخش اسلامی شرق آسیا بود و هست، و می‌تواند بخشی از سیاست چرخش به شرق جمهوری

اسلامی هم باشد.

هرچند سیاست چرخش به شرق بیشتر برای ایجاد ارتباط با قدرتهای اقتصادی و نظامی مانند چین، ژاپن و روسیه طراحی شده است، اما شرق آسیا به عنوان منطقه پر جمیت جهان که دارنده جامعه اسلامی است، گزینه مناسبی برای توسعه ائتلاف اخوان‌هلال شیعه است.

دلیل اینکه جمهوری اسلامی تا بحال به تنهایی تلاش نکرده است که در شرق آسیا سیاست صدور انقلاب را پیاده کند، این است که این منطقه دارای جمعیت شیعه نیست^(۴) و واقع زیرساخت سیاست صدور انقلاب در آن منطقه فراهم نبوده است، در چنین شرایطی جمهوری اسلامی می‌تواند همراه ائتلاف اخوان-هلال شیعه در این جغرافیا حضور پیدا کند.کشورهای قطر و ترکیه که

در شرایط کنونی راهبری جبهه فکری اخوان المسلمین در سطح جامعه اسلامی را انجام می‌دهند، طبق گزارشاتی که در نوامبر گذشته در نیویورک تایمز چاپ شده است،^(۵) از ۲۰۱۶ در یک ائتلاف با ایران که راهبرد هلال شیعه یا به‌کارگیری مردمان تشیع در راستای حفظ جمهوری اسلامی را دارد، قرار دارند. ائتلاف اخوان-هلال شیعه در راستای ریاست این سه کشور، بر جهان اسلام بر نهاده شده است و در مقابل خود پادشاهی سعودی را دشمن اول و پرقدرت خود تلقی می‌کند، پس نشست اسلامی مالزی بر روی کاغذ تلاش برای تحقق این ریاست است و در عمل گسترش بحران‌های خاورمیانه به شرق آسیا است. اما اگر بخواهیم ائتلاف فوق را در چهارچوب سیاست چرخش به شرق جمهوری اسلامی تحلیل کنیم، باید گفت که علاوه بر پادشاهی

سعودی و کشورهای اسلامی دیگر مانند پاکستان و اندونزی که اتفاقاً آنها نیز در چهارچوب سیاست چرخش به شرق وجود دارند، این گردهمایی منافع هند و چین را به عنوان دو ابرقدرت اقتصادی که اقلیت مسلمان در آنجا زندگی می‌کند را تهدید کرد و در کل فرهنگ توسعه شرق آسیا که فرهنگی مبتنی بر مدارا با جامعه غرب و حضور در بازار و اقتصاد جهانی است، را تهدید می‌کند. همزمان با آن حضور این ائتلاف در شرق آسیا به منزله آن است که سیاست، اسرائیل ستیزی اخوان-هلال شیعه به شرق آسیا وارد می‌شود و امکان آن هست که اسرائیل‌ستیزی در آن منطقه نیز تشدید شود، باتوجه به شخصیت

ضد یهودی ماهاتیر محمد^(۶) حضور این ائتلاف می‌تواند اسرائیل‌ستیزی در شرق آسیا را توسعه دهد. باید توجه داشته باشیم که فرهنگ غالب ائتلاف اخوان-هلال شیعه بر گسترش صدور انقلاب و ترویج حکومت اسلامی مبتی است، این فرهنگ که برگرفته از دیدگاه نئواسلامی‌های همچون جمال‌الدین افغانی، محمد عبده و ... است، فرهنگ مدارا با جامعه غرب و پیشرفتهای سیاسی، اقتصادی و فکری سکولاریزم را تماماً مردود می‌کند و خود را بدیل آن معرفی می‌نماید. بر این اساس باید نشست اسلامی در مالزی را به نوعی به چالش کشیدن ژاپن، سنگاپور و کره‌جنوبی هم قلمداد کرد. براساس ضدیت اعضایی اصلی نشست با پادشاهی سعودی و کشورهای عربی هم‌پیمان این پادشاهی و بر پایه امکان توسعه اسرائیل‌ستیزی در شرق آسیا این نشست را می‌باید، نقطه عطفی در گسترش بحران اسلامی در جامعه شرق آسیا تلقی کرد و در صورتی که به قالب قرارداد و پیمان‌نامه درآید، انتظار آن می‌رود، زمینه یک ابربحران جهانی با کانون شرق آسیا فراهم شود؛ که حاصل این ابر بحران ایجاد سد در برابر توسعه شرق آسیا و تدوام فقر و آوارگی خواهد بود. مشخص است، بازندگان اصلی این ابربحران در وهله اول کشورهای اسلامی شرق آسیا از جمله خود مالزی خواهد بود. پس باید اظهار کرد که نشست اسلامی مالزی با سیاست چرخش به شرق جمهوری اسلامی در تضاد است، چون منافع کشورهای مانند ژاپن، هند، چین و سنگاپور را تهدید می‌کند. به زبانی دیگر نشست اسلامی در راستای ایجاد یک رابطه عادی بین ایران و شرق آسیا نیست، بلکه در راستای گسترش بحران‌های خاورمیانه به شرق آسیا است. بیاد داشته باشیم که آنچه سیاست "غرب بدون آمریکا"ی جمهوری اسلامی را به بن‌بست رساند، ترور مخالفین، تقویت گروههای رادیکال اسلامی در اروپا و ماجراجویی هسته‌ای رژیم بود. در صورتی که نشست شرق آسیا به سطح قرارداد و پیمان‌نامه برسد، امکان تکرار همان رفتارهای در شرق آسیا توسط رژیم وجود دارد، که قطعاً زمینه شکست سیاست چرخش به شرق را نیز فراهم می‌کند.

مانور دریای ایران با روسیه و چین
روز ۲۷ دسامبر ۲۰۱۹ (۶ دیماه) سه کشور ایران، چین و روسیه در شمال اقیانوس هند و آب‌های



دریای عمان یک مانور نظامی را آغاز کردند.

این مانور از دو جنبه دارای اهمیت بود:

یک: مانور تحت عنوان "کمربند امنیت دریایی" برگزار شد، این در حالی است که جمهوری اسلامی در یک سال گذشته سیاست تهدید امنیت دریانوردی در خلیج و دریای عمان و تهدید امنیت انرژی در خاورمیانه را درپیش گرفته است.^(۷) پس کشورهای چین و روسیه سطح جمهوری اسلامی از یک کشور تهدید کننده امنیت را به یک کشور مدافع امنیت دریایی ارتقاء دادند.

دو: این مانور برای جمهوری اسلامی یکی از مصادیق سیاست چرخش به شرق است و برای روسیه و چین کارتی فشار به آمریکا جهت کسب منافع حداکثری در رابطه با ایالات متحده است. اما این مانور از لحاظ سیاسی از یک ضعف بسیار بزرگی برخوردار است و آن مسئله تقابل جمهوری اسلامی با پادشاهی سعودی، امارات و اسرائیل است؛ روسیه که درتلاش است، در کشورهای حوزه خلیج یک هژمونی ایجاد کند و برای در دست گرفتن بازار انرژی به همکاری کشورهای عربی خصوصاً سعودی نیاز دارد. ولادیمیر پوتین در مصاحبه با الغریبه، اسرائیل را کشور روسی‌زبان خواند،^(۸) باتوجه به همکاری‌های روسیه و اسرائیل در جغرافیای سوریه علیه جمهوری اسلامی، می‌توان گفت که روسیه برای امنیت اسرائیل اهمیت خاصی قائل است. مشخص است که روسیه در شرایط کنونی خواهان ایجاد یک هژمونی در خاورمیانه است، بطوریکه این هژمونی جایگزینی برای هژمونی آمریکا شود، مهم‌ترین نکته هژمونی آمریکا در خاورمیانه، مسئله حفظ امنیت انرژی، حفظ امنیت اسرائیل و پادشاهی سعودی است، پس روسیه اگر خواهان ایجاد این هژمونی باشد که هست، ناچار است که جمهوری اسلامی را به عنوان یک اخلاک‌گر امنیتی در منطقه کنترل کند و از ایجاد روابط استراتژیک امنیتی با او خوداری نماید. چین به عنوان دومین ابرقدرت اقتصادی جهان نیز به همکاری نزدیک با کشورهای عربی به‌عنوان صادرکنندگان انرژی و قدرتهای نوظهور اقتصادی نیازمند است. باتوجه به

منابع

1https://bit.ly/36m4PLe

2https://bit.ly/2th0gDg

3https://bit.ly/36eQpfp

4https://bit.ly/2QfHtB1

5https://bit.ly/2FdbXxr

6https://bit.ly/2Qf6nAU

7https://bit.ly/2QfAGHE

8https://bit.ly/36aE3oR

9https://bit.ly/37sHbNe

گذار از یک حکومت توتالیتر و دیکتاتور به دموکراسی و یک حکومت فدرال در ایران



گلارا تابان

دراين يادداشت نگاهی خواهیم انداخت به اشکال گذارازحکومت جمهوری اسلامی و تاثیرآن بر مبارزه ملی دموکراتیک ملت کرد برای رهایی از دست استعمار. جغرافیای ایران جغرافیایی است که بافت جمعیتی آن از چندین ملت، ادیان و مذاهب مختلف تشکیل شده است، از این رو

اگرشکلی از گذار به دموکراسی که در کشوری که بافت جمعیتی آن یک دست است و نتیجه بخش بوده است در مورد ایران صدق نخواهد کرد. در حال حاضر زبان فارسی ، زبان رسمی کشوراست، این در حالی هست که زبان فارسی زبان ملت فارس است و به اجبار به دیگر ملل این جغرافیا اعم از کرد، ترک، بلوچ، عرب و... تحمیل شده است، علیرغم تغییراتی که درچندین دهه و صده های پیش درمرکزرخ داده است، حکومت

همچنان دردست این اقلیت قبضه شده است. برای نمونه اگر انقلاب و یا کودتایی در مرکز رخ داده باشد تغییر آنچنانی در وضعیت دیگر ملل رخ نداده است ، هر چند در هنگام تغییر همه ملیت‌های ایران شرکت داشته‌اند اما نتیجه‌ای از این تغییرات دریافت نکرده اند. حکومت مرکزی همیشه از دادن حق و حقوق دیگر ملل سرباز زده است و همین امر به مرور سبب شکاف میان این ملیت‌ها و حکومت مرکزی شده است،

و ذهنیت در بین بخش بزرگی از فارس‌زبانها اعم از سکولارها، جمهوری خواهان، سلطنت طلبها، مذهبپون و یا هر طیف دیگری وجود دارد که آنها این جغرافیا را تمام و کمال متعلق به خود می دانند و هیچ اعتقادی به دیگر ملل و یا زبانهای دیگرندارند، از این رو نباید چندان به تغییرات درمرکز امید داشت و دل خوش کرد. در حال حاضر مرکزنشینان به مانند سال ۵۷ به دنبال گذراز حکومت هستند ، هر چند این بار به دنبال دموکراسی و گذر از این حکومت توتالیتر و دیکتاتور هستند، و با ادامه وضع کنونی این احتمال وجود دارد در آینده شاهد تغییراتی در مرکز باشیم، در اینجا باید به این نکته توجه داشت که تغییرات درمرکزهمیشه آن بوده است که آنها خواسته‌اند نه تابع خواست دیگرملل تحت ستم بوده است، وازآنجا که ذهنیت بسیاری ازفارس‌زبانها به نسبت دگرملل یک نوع ذهنیت است نباید به تغییرات مبهم و ناروشن نیزامید داشت و یا دلخوش بود. حتی اگر بعد از گذرازجمهوری اسلامی شاهد نوعی ازدموکراسی باشیم،

هرچند این ملیت‌ها به تنهایی نتوانسته‌اند سبب تغییر درمرکز شوند اما هرگاه مرکزنشینان به دنبال تغییر بوده‌اند، این ملت‌های مستعمره و ستم‌دیده به امید اینکه در حکومت آتی به حق و حقوق اولیه خود و یا بخشی از آن دست خواهند یافت مرکزنشینان را به هنگام تغییرهمراهی کرده‌اند اما هیچ گاه از این تغییرات سهمی نداشته اند و همواره به شیوه حکومت پیشین انکار و سرکوب شده‌اند. یک نوع تفکر

این دموکراسی اگرسیستمی برای احقاق حقوق ملت‌های تحت‌ستم ارائه ندهد، آن دموکراسی آرمانی و تمام و کمال نخواهد بود که دگرملیت‌های ایران می‌خواهند و حقوق آنها در نظام بعدی تثبیت نخواهد شد و تنها به کام مرکزنشینان خواهد بود، زیرا هدف ملت‌های ستم دیده در وحله اول رسیدن به حقوق ملی خود است. با توجه به مطالب ذکرشده به این نتیجه خواهیم رسید، گذار به دموکراسی، به شیوه‌های انقلاب، کودتا، اصلاحات و یا توافق سیاسیون و یا هر نوع تغییری که درداخل شکل بگیرد دستاوردی برای دیگر ملل نخواهد داشت مگر اینکه حقوق همه ملت‌ها به رسمیت شناخته شود.با توجه به مطالب فوق تنها یک راه برای این ملل ستم دیده باقی می ماند و آن گذاری خواهد بود که به تحمیل حق و حقوق این ملت‌ها به حکومت مرکزی بیانجامد. مطلوب‌ترین گزینه برای تحقق حقوق ملل زیردست تضعیف مرکزو مشارکت یکسان ملت‌های متنوع درایران در تغییرات و تقسیم واقعی قدرت در میان این ملت‌هاست.

طلاق

سولین سنه

طلاق یکی از پدیده‌های مهم اجتماعی است که افزایش آن در هر جامعه‌ای موجب اختلال در نظم و تعادل آن جامعه و بروز برخی آسیب‌های اجتماعی دیگر می‌شود. طلاق همانند سایر مسائل اجتماعی پدیده‌ای پیچیده است و نمی‌توان تنها یک یا چند عامل مشخص را علت بروز آن دانست. در هر جامعه‌ای به‌فراخور شرایط و تغییرات اجتماعی آن برخی عوامل مهم‌تر و اساسی‌تر است، با توجه‌به اهمیت بالای این مسئله اجتماعی و آثار نابهنجار آن در جامعه اگر بخواهیم به طبقه‌بندی علل پردازیم باید گفت عوامل اقتصادی، عوامل فرهنگی و عوامل اجتماعی به ترتیب دارای میزان تاثیر بالا، متوسط و پایین را دارا هستند. درسال‌های اخیر طلاق در کشور رشد بالایی را داشته به‌گونه‌ایی که از هر ۳ ازدواج ۱ مورد به طلاق می‌انجامد. در بخش مسکن و بیکاری مردان، افزایش نرخ تحصیلات دانشگاهی، نابرابری درآمد سبب تشدید طلاق شده است، که اگر مسئولان سه عامل مهم تورم، اشتغال، عدالت اقتصادی و اجتماعی را کنترل کنند شاهد کاهش نرخ طلاق در جامعه می‌شویم. خانواده یکی از مهم‌ترین واحدهای اجتماعی است که نقش مهمی در تربیت فرزندان و سلامت جامعه دارد بنای هر خانواده بر همدلی و صبوری استوار است ولی گاه اختلافاتی

در خانواده وجود دارد که منجر به طلاق می‌شود که حتی منشا آن می‌تواند عوامل دینی و اختلافات زوجین در مذهب، فریب‌کاری عوامل جسمانی، عوامل اعتیاد، عقیم بودن یکی از زوجین باشد که مجموعه‌ای از این عوامل سبب ناسازگاری و اختلاف زوجین شده و راه طلاق و جدایی را در پیش بگیرند .می‌توان طلاق را یک آفت اجتماعی دانست یا یک پدیده‌ی ارتباطی، اقتصادی و روانی. تا بحال شده شاهد از هم گسستگی خانواده‌ای باشید و یا نظاره‌گر فرزندی بوده‌اید که با چشمان گریان به صحنه جدایی پدر و مادر نگاه کرده و به آینده نامعلوم خویش می‌اندیشد. در این میان تکلیف فرزندان طلاق چه خواهد شد آیا در جامعه‌ای

فرزندانی که تحت فشارهای روانی بزرگ می‌شوند و روان ناسالمی دارند زندگی در آن به چه سویی سوق داده می‌شود؟ آیا باز هم آمار ازدواج پایین و آمار طلاق بالا می‌رود؟ فرزندان طلاق کسانی هستند که هیچ نقش و دخالتی نه در ازدواج نه در طلاق زن و مرد نداشته ولی بیشترین ناملایمات و سختی‌ها و اثرات شوم جدایی بر جسمی ظریف آنهاست. اگر در زمان طلاق و جدایی فرزندی در کار نباشد جدایی‌ها چندان سخت و ناگوار نیست و فقط به سرخوردگی و افسردگی زودگذر آنان پایان می‌یافت. تدبیر مسئولین برای ازدواج جوانان فراهم کردن و بالا بردن وام ازدواج بود که متأسفانه نتیجه‌ی بسیار خطرناکی را به دنبال داشت. خانواده‌هایی

که از لحاظ مادی تحت‌فشار بودن با هماهنگی با خانواده‌های دیگر مسبب ازدواج فرزندان‌شان با سن کم شدند که البته این ازدواج‌ها فقط وجهه‌ی مادی داشته و بعد از دریافت وام ازدواج فسخ خواهد شد. کاش بتوانیم از فروریختن کانون گرم خانواده‌ای جلوگیری کنیم و شاهد زندگی شیرین و پر محبت خانواده‌ای باشیم. طلاق نخست یک پدیده‌ی روانی است زیرا بر تعادل روانی نه‌تنها دو انسان بلکه فرزندان، بستگان، دوستان ونزدیکان آنان اثر می‌نهد. دوم یک پدیده‌ی اقتصادی است. با گسسته شدن خانواده به عنوان واحد اقتصادی و تعادل روانی انسان‌ها موجبات بروز اثراتی سهمگین در حیات اقتصادی آنان می‌شود. گذشته از این طلاق پدیده‌ایست موثر از

تمامی جوانب جمعیت در یک جامعه ، زیرا از طرفی بر کمیت جمعیت اثر می‌نهد، چون تنها واحد مشروع و اساسی تولیدمثل یعنی خانواده را از هم می‌پاشد و از طرف دیگر بر کیفیت اثر دارد چون موجب می‌شود فرزندان‌ی محروم از نعمت‌های خانواده تحویل جامعه گردد که به احتمال زیاد فاقد شرایط لازم در راه احراز مقام شهروندی یک جامعه‌اند همان‌گونه که می‌دانیم جامعه‌ای که در آن طلاق از حد متعارف تجاوز کند ، هرگز از سلامت روانی برخوردار نخواهد بود. در جامعه‌ای که ارتباط سالم و درست و طبیعی در آن نیست پیوند یا رابطهی زناشویی نیز استثنا نیست. پس توجه به طلاق نه‌تنها از دیدگاه

جامعه فرهنگ و اقتصاد و حتی جمعیت نیز قابل اعتنا است. هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند نسبت به این آفت اجتماعی بی توجه بماند هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ادعای سلامت کند اگر از خانواده‌های استوار برخوردار نباشد. هدف این نیست که قوانینی در حذف طلاق وضع شود زیرا همان‌گونه که جامعه وجود دارد طلاق نیز وجود دارد. هرگز نمی‌توان تصور کرد که تمامی ارتباطات انسانی برجا بماند و هیچ ارتباطی آسیب نبیند اما جامعه باید در پی اندیشه کاستن از تعداد طلاق باشد. همان‌طور که می‌دانیم اگر جامعه‌ای رو به سوی افزایش طلاق رود، بی‌هیچ شبهه در آستانه‌ی بحران قرار دارد .بدین ترتیب به درستی می‌توان گفت: میزان طلاق نشانه دقیق سلامت یا بیماری جامعه است. تردیدی نیست که شناخت عوامل موجب طلاق و تاثیر نامطلوبی که در دیگر افراد خانواده وجامعه می گذارد برای مسئولان برنامه‌ریزی و اجتماعی و همین‌طور خانواده‌ها ضرورت دارد چون ریشه بسیاری از بیماری‌های روانی، ستیزه‌های خانوادگی است و در همه اعضای خانواده سپس در جامعه تاثیرات نامطلوبی می‌گذارد .

در این امر

- **اعتیاد همسر (عامل اصلی طلاق در زنان)**
- **مشاجره لفظی و فیزیکی**
- **دخالت اطرافیان و خانواده همسر (چه در زنان چه در مردان)**
- **سوءظن و بدبینی**
- **همسر دیکتاتوری**
- **عدم تفاهم اخلاقی**
- **عدم یکسانی فرهنگی**

از علل موثر در طلاق اند.

هفتادویکمین سالگرد

تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر



شروان هادی‌زاده

او هم برای خود «کسی» است و هم «کس» بودن دیگران را می‌پذیرد. انسان بی‌هویت حل‌شده در امت یا توده انسان‌ها وجود ندارد. انسان، خردمند و توانا در پذیرش مسئولیت زندگی خویش است. خرد او همان خرد دیگران است و مانند همه خطاکار. انسان معصوم و عاری از گناه تنها یک خیال است که وجود خارجی ندارد. انسان همواره در حال تکامل، رشد و نمو شدن است و تکاملش نسبی است؛ نسبت به جامعه و تاریخ، او

قوانین حکومتی شکل حقوقی مشخص پیدا کند. این قوانین مجاز به خدشه‌دارکردن حیثیت انسان نیستند. تقسیم «حقوقی» انسان به سیاه و سفید، مسلمان ی‌هودی، مسیحی و... زن و مرد و تبعیض حقوقی میان آن‌ها نقض روشن و آشکار یکی از اصول حقوق بشر، حقوق اساسی و حقوق شهروندی است. در چهار دهه حیات جمهوری اسلامی، حقوق بشر در ایران به اشکال گوناگون نقض شده است. از اجرای مجازات

اولین ماده اعلامیه حقوق بشر این دو جمله است: «تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از نظر حیثیت و حقوق با هم برابرند. همه دارای خرد و وجدان هستند و باید با یکدیگر با روح برادری رفتار کنند».

دارای خرد است و رفتارش صرفاً برآیند داده‌های بیرونی نیست؛ بلکه می‌تواند بر اساس خرد و تجربه‌اش تفکر کند و تصمیم بگیرد. او مسئول خویش است و چون در گوهر وجودش با دیگران یکسان است، پس نباید بدل به ابزار دست‌یازی به اهداف «خواص» گردد. از آنجا که انسان موجودی اجتماعی است، پس شرف و حیثیت او در رابطه‌ای برابر و متقابل با سایر افراد جامعه و در ارتباطی دیالکتیک با دیگران قرار دارد. محترم شمردن این گوهر انسانی از سوی حکومت، ابتدا باید در

در ملا عام تا سرکوب شهروندان معترض و روزنامه‌نگاران و فعالان سیاسی و بسیار موارد دیگر. حقوق طبیعی و حقوق بشر، به این دلیل حقوق «طبیعی» یا «بشری» نام گرفته‌اند، که بر فراز فرد و جامعه و بر فراز زمان و مکان، یعنی بر فراز اشکال حکومت، ادیان و فرهنگ‌ها قرار داده شوند تا از این راه، هیچ نهادی از جمله نهاد حکومت یا نهاد دین، نتواند آن را خدشه‌دار کند. تا حکومتگران موظف به رعایت آن و حفاظت از آن شوند. یعنی این حقوق، تعریفی پیش‌حکومتی دارند و حکومت

در دهم دسامبر سال ۱۹۴۸ میلادی، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، که در آن زمان تنها ۵۶ عضو داشت، «اعلامیه جهانی حقوق بشر» را در پاریس به رای گذاشت. این اعلامیه با ۴۸ رای موافق، ۸ رای ممتنع و بدون مخالف به تصویب رسید. اعلامیه حقوق بشر در واقع عکس‌العملی بود به جنایات نازیسم پیش از جنگ دوم جهانی و میانه آن. این اعلامیه دارای ۳۰ ماده است که با زبانی بسیار ساده و روشن بیان شده‌اند. اولین ماده اعلامیه حقوق بشر این دو جمله است: «تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از نظر حیثیت و حقوق با هم برابرند. همه دارای خرد و وجدان هستند و باید با یکدیگر با روح برادری رفتار کنند». در اینجا برای اولین بار «حیثیت» به عنوان یکی از حقوق انسان‌ها مطرح می‌شود؛ همان‌گونه که حدود دو‌یست سال پیش ساموئل پوفندورف، پروفیسور آلمانی، به صورت یک مقوله قضایی بیان کرده بود. از نگاه پوفندورف، حیثیت انسان دارای جایگاه و مقامی برجسته و خدشه‌ناپذیر است. اما حیثیت انسان یعنی چه؟ یعنی این‌که انسان موجودی مستقل، خودبنیاد و فردی حاکم بر سرنوشت خویش است. یعنی

اعتراضات در ایران ادامه خواهد داشت



آمده است که تنها گرانی بنزین عامل اصلی این اعتراض‌ها نبوده بلکه اعتراضات انباشته شده و در آینده ایران را در بر می‌گیرد طبق

گزارش این روزنامه رژیم ایران تحت فشار سخت اقتصادی می‌باشد و همچنین جامعه ایران و کوردستان آماده اعتراضات دیگری است.

روزنامه "اعتماد" یکی از روزنامه‌های رژیم اسلامی ایران اعلام کرده است، بیش از ۷۹ درصد از مردم بر این باور هستند که اعتراضات ادامه خواهد داشت. روزنامه "اعتماد" طی گزارشی منتشر کرد طبق آماری که مرکز "ایسپا" (مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران) منتشر نموده، ۷۹ درصد از مردم شهر تهران که تحصیلات عالی دارند، بر این باورند که اعتراضات ادامه خواهد داشت. همچنین ۸۵ درصد از مردم این اعتراضات را مشروع می‌دانند. در همین گزارش آمده که ۸۵ درصد از مردم از وضعیت نابسامان کشور ناراضی و ۸۴ درصد نیز نسبت به آینده ارزیابی مثبت ندارند. این گزارش همچنین از وخیم بودن وضعیت ایران خبر می‌دهد. دراین گزارش

خالد درویش

پنهان کردن شکاف کسری بودجه



درحاکمیت ایدئولوژیک، غیردمکراتیک جمهوری اسلامی سالی را نمی‌توان یافت که بودجه‌ی پیشنهادی دولت برای سال آتی از ویژگی علمی و شفاف برخوردار باشد، در واقع پنهان کاری و مشخص نبودن پایه‌های دخل و خرج حکومت یکی از خصوصیات بارز و هدفمند لایحه پیشنهادی دولت برای بودجه بوده که بدون هیچگونه شفاف‌سازی هم از فیلتردانه درشت نهاد فرمایشی به نام مجلس شورای اسلامی می‌گذرد. عدم شفافیت مستمر ۷۵٪ از بودجه‌ی حکومت که هر از چند گاهی و تصادفاً به شیوه‌ی تلویحی مورد نقد تحلیلگران اقتصادی بوده به علت معمولی بودن چنین ویژگی‌هایی کمتر مورد توجه جدی و تحلیل موشکافانه قرارگرفته است به نحوی که تمرکزبیشتر بحث‌ها بر سر بخش‌ها نیمه شفاف آنهم عمدتاً مبهم بودجه‌ی بخش عمومی بوده است. علیرغم آنکه بر طبق آمار نادرست رژیم میانگین نرخ تورم در سال ۹۸ بالای ۴۰٪ بوده است و بودجه‌ی عمومی سال ۹۸ از کسری بودجه ۱۰۰ هزار میلیارد تومانی حکایت می‌کند، بودجه عمومی سال ۹۹ مبلغ ۴۸۴ هزار میلیارد تومان برآورد شده است. با نگاهی اجمالی به بخش‌های تشکیل دهنده‌ی بودجه به ویژه درآمدهای رژیم نگرش خیالی و خوشبینانه درتسامی ابعاد آن به چشم می‌خورد. به شیوه‌ای که منطق غلط عدد سازی گویی جهت خالی نبودن عریضه اساساً در جهت اهداف پنهان کارانه نهادهای حکومتی درخصوص مشخص نشدن میزان کسری بودجه در کلیت آن موج می‌زند. در حالی که بلوف سیاسی همراه با شعارهای تو خالی سران رژیم در خصوص عدم توانایی آمریکا در به صفر رساندن درآمد ناشی از صادرات نفتی در چهارچوب کمپین فشار حداکثری چنانچه مد نظر مقامات حکومتی بوده است جوابگو نبوده، سخنان بیژن نامدارزنگنه وزیر نفت و اسحاق جهانگیری معاون رئیس جمهوری دال بر این ادعااست باز هم در بودجه‌ی عمومی سال ۹۹ صادرات یک میلیون بشکه نفت در روز به مبلغ هر بشکه‌ای ۵۰ دلار در نظر گرفته شده است، این در حالیست که بر طبق آمار شرکت کپلرکه نفتکش‌ها را ردیابی می‌کند در ماه اومبر گذشته صادرات نفت ایران چیزی در حدود ۲۰۰ هزار بشکه نفت در روز بوده است که در قبال سرمایه گذاری ۳/۵ میلیون دلاری شرکت‌های چینی سی ان پی سی و ساینوپک درمیادین آزادگان جنوبی و یاد آوران و میزانی کمتر از ۱۰۰ هزار بشکه به سوریه بوده است که همه این صادرات بدون دریافت مبلغ ناشی از صادرات بوده است. درآمدهای مالیاتی و عوارض و گمرکی بودجه سال آینده با افزایش ۲۳ هزار میلیارد تومانی به مبلغ ۱۹۵ هزار میلیارد تومان رسیده است، وصول چنین مبلغی و حتی نصف آن به دلایل رکود تورمی اقتصاد ایران - نرخ تورم بالای ۴۰ درصدی و افزایش بیکاری و تعطیلی روزمره و مستمر بنگاه‌های تولیدی یقیناً درواز انتظار خواهد بود. ادعای دیگر دولت انجام پروژه‌های عمرانی است که از محل درآمد ناشی از صادرات نفت بدان اختصاصی داده شده، ۱۰ میلیارد دلار می‌باشد، انجام پروژه‌های عمرانی در هاله‌ای از ابهام بوده و اینجاست که بیشتر از پیش منطق عددی ریاضی غلط سران رژیم بیشتر نمایان میشود، در نهایت آیا این ارقام سازی و پنهان کاری‌ها می‌توانند بدیهی ۳۰۰ هزار میلیارد تومانی دولت به بانک‌ها و افزایش حجم ۴ برابری نقدینگی را تنها در مدت ۳ سال پوشش بدهد؟ راهکاری که ساختار درهم ریخته‌ی اقتصاد ایران را باز هم به سوی چاپ اسکناس بدون پشتوانه و استقراض از بانک مرکزی و در نهایت تورم افسار گسیخته هدایت می‌کند.

قرارداد نظامی رژیم ایران با تروریست‌های حوثی یمن



وزیر دفاع رژیم دیدار و قرارداد نظامی بین دو طرف را به امضا رسانده است. براساس این قرارداد نظامی، رژیم ایران، تسلیحات و ادوات جنگی در اختیار گروه تروریستی حوثی قرار داده و این گروه تروریستی نیز موظف است تا سیاست‌های رژیم ایران را در یمن اجرا نماید. تروریست "الدیلمی" در دیدار با مقامات رژیم ایران، از مواضع این رژیم در قبال عربستان سعودی تقدیر و تشکر کرد.

حمایت رژیم اسلامی ایران از گروه‌های تروریستی ادامه دارد و در همین راستا با گروه تروریستی حوثی یمن قرارداد نظامی امضا کرده‌اند. تلویزیون "المسیره" وابسته به گروه تروریستی حوثی یمن از امضای نخستین قرارداد نظامی این گروه تروریستی با رژیم اسلامی ایران خبر داد. تروریست "ابراهیم محمد الدیلمی"، نماینده گروه تروریستی حوثی در ایران، با پاسدار تروریست "امیر حاتم"،

رژیم ایران، حامی تروریسم و منبع اصلی آن در جهان است

